



## راهنمایی در کنار (بخش اول)

### مقدمه

در زمانی که چندین دور تابلوی سر در مدرسه‌هایی را مشاهده می‌کردیم که روی آن‌ها، قبل از اسم مدرسه نوشته شده بود «هوشمند». داستان هوشمندسازی در کشور ما با الگوبرداری از برخی کشورها همچون مالزی (که خود تجربه ناموفقی را پشت سر گذاشت)، از دهه ۸۰، با بحث آموزش ICDL برای معلمان شروع شد. بعد هم بحث هوشمندسازی مدرسه‌ها خیلی شتاب گرفت. تلاش بسیاری از مسئولان آموزش و پرورش برای کارآمد و به روز کردن مدرسه‌ها، به

ابلاغ بخش‌نامه‌های متعدد برای مدیران به منظور تهیه تخته هوشمند و وسایل مرتبط معطوف بود و بعد هم تغییر تابلوی سر در مدرسه. اما از هوشمندانه استفاده کردن از فناوری‌های نوین خبری نبود و استفاده از این ابزار موفقیت زیادی برای معلمان به ارمغان نیاورد.

یادگیری معکوس نوعی رویکرد معلمی است نه مهندسی و صرفاً موضوع سخت‌افزار نیست. در آغاز، این شیوه یک حرکت از طرف معلمان بود، نه بخش‌نامه‌ای از اداره آموزش و پرورش. برخی از معلمان دور یکدیگر جمع شدند و مطالبشان را به

اشتراک گذاشتند و خودشان تلاش کردند فرایند یاددهی و یادگیری کلاس خود را با انتخاب، سازمان‌دهی و ارائه محتوا اصلاح کنند. بنابراین، یک جنبش از پایین به بالا بوده است و نه برعکس.

یادگیری معکوس می‌تواند نوعی تغییر تدریجی باشد. معلم‌ها ممکن است در موضوعی خاص با یک فیلم کوتاه، آرام‌آرام محتوای آموزشی خود را تدارک ببینند و سال‌های بعد بتوانند از آن‌ها به‌طور جامع استفاده کنند. بنابراین، انتظار می‌رود این تغییر از یادگیری مستقیم به معکوس، به تدریج صورت گیرد. در این حال،



ایشان است. این امر مورد تصدیق یکی از همکاران بود که در زیر آمده است. البته وی راهکاری نیز در این خصوص ارائه می‌کند، مبنی بر آنکه مانند رویکرد کلاس معکوس، فیلم جلسه در اختیار غائبان قرار گیرد. نگارنده در این مورد یک فیلم با عنوان «سخنی با والدین» ساخته است که از طریق فرزندانشان در اختیار ایشان قرار می‌دهد یا در نخستین جلسه عمومی والدین، آن را به نمایش می‌گذارد. شناسه تصویری (QR Code) این صفحه راه دسترسی به این فیلم را ایجاد می‌کند.

شما جلسه برگزار می‌کنید و دعوت هم می‌کنید، ولی همه نمی‌آیند. این یک ماجراست و البته این هم راهکار دارد، ولی هیچ وقت به ۱۰۰ درصد نمی‌رسد. می‌شود از همان جلسه توجیهی هم فیلم گرفت و در اختیار خانواده‌ها قرار داد.

برنامه درسی به گونه‌ای متفاوت رقم خورده باشد.

نکته قابل ذکر در مورد دیگر معلمان است؛ معلمان که از این روش استفاده نکرده‌اند و معمولاً به شیوه‌های سنتی تدریس می‌کنند. چرا که ممکن است به تخریب ذهنی دانش‌آموزان اقدام کنند. اظهار همکارمان در این خصوص شاهد مثال است:

مرحله بعدی، توجیه سایر معلمان است، چون واکنش معلمان هم خاص می‌شود. کافی است معلمی به کلاس برود و بگوید: این مطالب تئوری و دانشگاهی هستند و این روش‌ها جواب نمی‌دهد؛ در حالی که این طور نیست.

در این حال، نباید از توجیه والدین نیز غافل شد، چرا که حمایت آن‌ها می‌تواند در سرعت‌بخشی همراهی دانش‌آموزان نقش بسزایی ایفا کند. در نقطه مقابل هم ممکن است مشروعیت و اثربخشی معلم را نزد دانش‌آموز کم کند. این مطلب مورد وفاق عموم معلمان مورد مصاحبه بوده است.

از جمله کارهای صورت گرفته در این خصوص، توجیه والدین در جلسه عمومی است. لیکن معمولاً یکی از محدودیت‌هایی که ایجاد می‌شود، شرکت نکردن برخی از

روش نویای معکوس نیازمند ثبت و نشر تجربه‌های بومی مربوطه؛ به‌منظور نقد و ترویج آن، است.

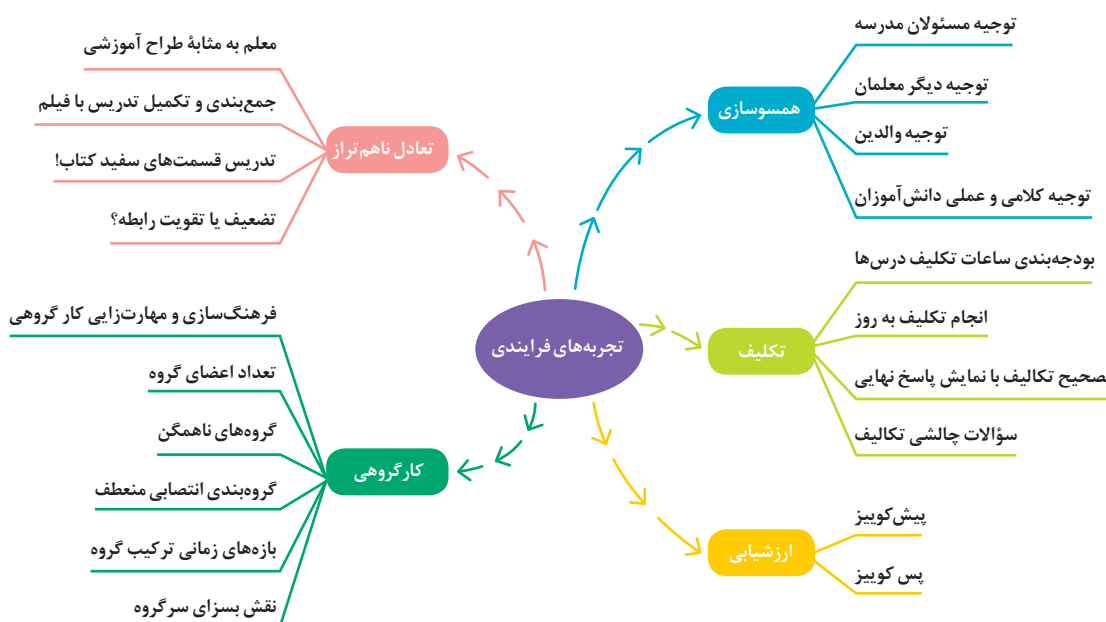
نگارنده در یادداشت‌های قبلی به تجربه‌های محتوایی پرداخت که غالباً به ویدیوهای آموزشی و همچنین ترسیم کلی و تبیین سؤال‌ها و ابهامات مطرح شده در یادگیری معکوس ناظر بود. از این شماره تجربه‌های فرآیندی در این روش مطرح می‌شوند.

### ← تجربه‌های فرآیندی

فرآیند اجرای کلاس معکوس با تجربه‌هایی از نگارنده و برخی دیگر از معلمان همراه بود که از طریق مصاحبه با آن‌ها به دست آمد. این تجربه‌ها هم بعد از مقوله‌بندی، در دی‌گرام زیر ترسیم شد. در این شماره به بخش همسوسازی و تعامل ناهم‌تراز اشاره می‌کنیم:

### ← همسوسازی

یکی از نکات مهم در اجرای روش معکوس، توجیه گروه هدف است. نقطه آغاز این روش متوجه مدیر، کارکنان اجرایی و مسئولان مدرسه است که لازم است پشتیبان و حمایت‌کننده هم باشند؛ به‌خصوص اگر اجرای این رویکرد در مدرسه مسبوق به سابقه نباشد و فرهنگ



اما از همه این‌ها مهم‌تر، توجیه دانش‌آموزان به عنوان اصلی‌ترین ذی‌نفعان این شیوه است. یک همکار، ضمن تأکید بر اینکه «وقتی مقبولیت و محبوبیت معلم اتفاق بیفتد، معمول این است که معلم هر چه بگوید بچه‌ها می‌پذیرند»، با توجه به توان منطقی و قدرت انتزاعی دانش‌آموزان دبیرستانی، ارائه نتایج ممتاز در کلاس‌های مشابه و مستندات علمی در این خصوص را مجاب‌کننده می‌داند. با این وصف، تغییر عادت و سیاق یادگیری ایشان نیز به تدریج حاصل می‌شود و لذا نیازمند عاملی مؤثر و مستمر در این گذار است که نقش کاربزماتیک معلم می‌تواند چنین عملکردی باشد.

برای مثال، یکی از مسئله‌های اجرای این روش آن است که دانش‌آموزان فیلم‌های آموزشی را نگاه نمی‌کنند. گفتنی است، در این میان شخصیت فرهمندانه معلم و همچنین مشروعیت و مقبولیت وی تأثیر بسزایی دارد؛ همچنان که نظر همکار دیگری هم مؤید آن است:

«من فکر می‌کنم کلاً در این روش آن کاربزمای معلم، آنکه بچه‌ها آن معلم را چقدر قبول دارند، هم دخیل است؛ هم در پذیرش بچه‌ها و هم در یادگیری.»

با این وصف، برخی از معلمان مورد مصاحبه به شکل غیرمستقیم و عملی به توجیه دانش‌آموزان و شیوه اجرای این رویکرد می‌پردازند و ایشان را با مزایا و ضرورت‌های اجرای آن آگاه می‌کنند و همراهی خود خواسته ایشان را شکل می‌دهند. تجربه یکی از ایشان چنین است:

تقریباً فکر کنم دو جلسه در ابتدای سال از ما وقت گرفت. تقریباً یک جلسه را درباره این روش که چه محاسن یا معایب احتمالی دارد توضیح دادم و اینکه چرا این کار را انجام می‌دهیم. جلسه بعد فیلم را گذاشتم و با فیلم آشنا شدند. برخی وسط فیلم می‌گفتند این‌جا را نفهمیدیم. به جای اینکه توضیح دهم، فیلم را به عقب می‌زدم و می‌گفتم دوباره نگاه کنید. می‌گفتم همین کار را باید در خانه هم انجام دهید. و جاهایی که ابهام دارید، برگردید. خلاصه درس را باید کامل کنید.

وی در میان سؤالات برخی از دانش‌آموزان که مورد ابهام یا پرسش دیگران نیست، یادآور می‌شود که نگاه کردن فیلم و حتی دیدن چندباره آن براساس نیاز هر یک از شما، خلل یا اتلافی در وقت دیگر دانش‌آموزان ایجاد نخواهد کرد، بلکه گامی در جهت شخصی‌سازی آموزش برداشته خواهد شد. مضاف بر آنکه اگر اکنون آمادگی جسمی، ذهنی یا روانی نداشته باشید، در اختیار داشتن فیلم این فرصت را ایجاد می‌کند که در هر زمان آمادگی ایجاد شد، از فیلم استفاده کنید و هر چند بار که لازم بود، آن را نگاه کنید. این ویژگی برای افراد غایب در کلاس یک فرصت است و مانع از توقف کلاس یا جا ماندن ایشان می‌شود. در این حال، با انتقال تدریس آغازین به خانه، فرصت تعامل و فعالیت‌های گروهی، حل مسئله و رفع اشکال گسترده‌تر می‌شود. آن‌ها همچنین یاد می‌گیرند در مواقعی باید فیلم را متوقف کنند و فعالیتی را انجام دهند.

### ← تعامل ناهم‌تراز

در روش معکوس، معلم به مثابه فرزانه‌ای در صحنه<sup>۱</sup> نیست، بلکه راهنمایی در کنار<sup>۲</sup> است. گاهی در مورد حضور معلم در این روش بدفهمی صورت می‌گیرد و برخی با بیان اینکه هدف یادگیری است، در عمل معلم را در کلاس بر کنار قلمداد می‌کنند؛ در صورتی که حضور معلم ضروری است، لیکن نقش او تغییر می‌کند. معلم در این حال بیش از گذشته طراح آموزش است و نیازمند طراحی خلاقانه و پیوسته برای کلاس درس است.

در نخستین جلسه، بعد از نگاه کردن فیلم از سوی دانش‌آموزان، معلم پیش‌گویی یا پرسش شفاهی برگزار می‌کند که هم نقش ارزشیابی تشخیصی را دارد و هم متضمن استفاده از فیلم است. سپس به جمع‌بندی و مرور و گاهی تکمیل مطالب می‌پردازد. معلم با این کار ضمن اینکه ذهن دانش‌آموزان را مرتب می‌کند، به تصریح یا تلویحی، انتظارات خود و موضوعات کوییز پایانی را که بعد از فعالیت گروهی ایشان انجام می‌شود نیز تبیین می‌کند. جمع‌بندی و تدریس مکمل، ضمن ایجاد تنوع بخشی

در فرایند یاددهی - یادگیری که مهم است، در موضوعات دشوارتر کتاب بیشتر مورد تأکید معلمان مورد مصاحبه بود و البته سهم زمانی کمتر از نصف یک زنگ کلاسی را به خود اختصاص می‌داد.

در روش معکوس، معلم می‌تواند سهم بیشتری را به مطالب مرتبط ولی مکمل و خارج از کتاب اختصاص دهد؛ چیزی که غالباً برای دانش‌آموزان جذاب‌تر و گاه کاربردی‌تر و ماندگارتر خواهد بود و گاه در دایره برنامه درسی پنهان جای می‌گیرد. در این باره، تعبیر یکی از معلمان در مورد تدریس قسمت‌های سفید کتاب جالب بود! او ضمن اینکه این امر را ملازم دانش و تجربه‌های گسترده‌تر معلم می‌داند، گفت:

کار معلم درس دادن قسمت‌های سفید کتاب است! کتاب که هست، درس را خود بچه‌ها باید بخوانند. آن قسمت‌هایی را که نیست، باید بگوییم تا کمکی کرده باشیم برای یادگیری. قسمت‌های سفید که خیلی بیشتر اثر دارد در یادگیری.

نکته دیگری که معلمی دیگر اظهار کرد، کاستی ارتباط معلم با دانش‌آموزان و تأخیر در حفظ اسامی ایشان بود که در زیر آمده است:

من در روش قدیم اسامی بچه‌ها را بعد از یک ماه یاد می‌گرفتم و راحت با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کردم. در این مدل، دو ماه یا یک ماه و نیم طول می‌کشد. این فاصله مقداری ارتباط معلم را با بچه‌ها ضعیف می‌کند!

ناگفته نماند، برخی دیگر از معلم‌ها، در نقطه مقابل، این روش را فرصتی برای توجهات فردی معلم برشمردند؛ به طوری که او در حالی که تمام دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی مشغول هستند، می‌تواند در کنار هر یک از ایشان قرار گیرد و ضمن ایجاد رابطه عاطفی بیشتر، به تفاوت‌ها و نیازهای انفرادی بچه‌ها رسیدگی بیشتر کند. ■

### پی‌نوشت‌ها

1. The sage on the stage
2. The guide on the side